

بررسی عدم تعادل و نابرابری فضایی - کالبدی در منطقه ۱۷ شهرداری تهران نمونه موردی محله ۸

دکتر ژیلا سجادی*

معصومه باغبان**

چکیده

پیشی گرفتن رشد شتابان جمعیت شهری از امکانات و خدمات شهری مطلوب همراه با نبود برنامه ریزی صحیح، همواره موجب ناهمگونی و عدم تعادل توزیع امکانات و خدمات در سطح شهر می شود. رقابت برای دستیابی به چنین امکاناتی نیز به فضاهای شهر ارزش های متفاوتی می دهد. تفاوت در ارزش زمین به اجبار جدایی گزینی فضایی بر اساس توان مالی را در پی دارد و جدایی گزینی انسانی، نیز، خود باعث عمیق تر شدن تفاوت در ارزش فضا و در نتیجه نابرابری های درون شهری و فاصله طبقاتی ساکنان شهر می شود. با چنین نگرشی در این پژوهش، منطقه ۱۷ شهرداری تهران بعنوان نمونه موردی انتخاب شده است که در آن، هدف نه تنها پی بردن به جایگاه منطقه ۱۷ در بین مناطق مختلف شهر تهران، بلکه دستیابی به علل این نابرابری ها با تأکید بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان و نقش مدیریت شهری در این رابطه بوده است. روش بکار رفته در این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است و جمع آوری اطلاعات نه تنها از طریق مطالعات کتابخانه ای، بلکه میدانی (پرسشگری، مصاحبه و پیمایش) انجام گرفته است. تحلیل اطلاعات جمع آوری شده بیانگر وجود همبستگی معنی دار بین کمبود کاربری های خدماتی و وضعیت اقتصادی اجتماعی ساکنین از یک طرف و هزینه های انجام شده توسط شهرداری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از طرف دیگر است، که در این میان منطقه ۱۷ شهرداری تهران نامتعادل ترین و ناهمسان ترین منطقه شناخته شد و از نظر رتبه بندی نهایی مناطق، آخرین جایگاه را به دست آورد. برای کسب اطمینان از نتایج تحقیق، محله ۸ منطقه ۱۷ به عنوان نمونه برگزیده شد و پس از مطالعه شاخص های مذکور در آن، نتایج بدست آمده به تأیید نهایی رسید.

واژه های کلیدی: تعادل فضایی - کالبد - تهران - منطقه ۱۷ تهران

*هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

**دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۱۴

مقدمه

رعایت برابری و تعادل نسبی در ارائه امکانات و خدمات بین مناطق مختلف شهری می تواند موجب ایجاد انگیزه در جلب مشارکت شهروندان در تحقق توسعه پایدار شهری در ابعاد مختلف باشد. چرا که دیدن شهروندان در برنامه های توسعه شهری، رعایت برابری و تعادل نسبی در ارائه امکانات و خدمات بین مناطق مختلف شهر، یکی از بهترین راهکارها در کاهش مسائل و مشکلات شهری و به تبع آن ایجاد انگیزه در شهروندان و در جلب مشارکت آن ها در ابعاد مختلف توسعه شهری است.

در حقیقت توزیع امکانات و خدمات مناسب در بین مناطق شهری می بایست از تفکر عدالت اجتماعی تبعیت نماید، چرا که عملکرد شهروندان و ایفای نقش شان در مدیریت شهری بستگی به دیدن آن ها در برنامه های شهری دارد. در حقیقت حکمروایی خوب شهری در صورتی قابل تحقق است که با ارائه بهینه خدمات و امکانات بطور غیر مستقیم به جلب مشارکت مردم در امور شهری پرداخته شود.

باید توجه داشت که عنصر اصلی و سازنده شهر، انسان است و تجسم فضایی ایدئولوژی ها، آرمان ها و اندیشه های انسان در محیط جغرافیایی در بستر شهر شکل می گیرد (رضویان، ۱۳۸۱، ۲۲۵). اشکال، گونه ها، ابعاد و انواع کاربری اراضی شهری به صورت کاربری های مسکونی، تجاری، معابر، ورزشی، فضای سبز و دیگر پدیده های موجود در شهر در مجموع به عنوان عناصر نظام شهری، سازمان فضایی شهر را شکل می دهند. در دستیابی به توسعه پایدار یک شهر، علاوه بر ضرورت ایجاد روابط و تعاملات متقابل در نظام منطقه ای، ملی و حتی جهانی، لازم است که عناصر درون شهری با همدیگر در تعامل باشند، در غیر این صورت، عناصر شهری (کاربری ها) دچار آشفتگی می شود و سازمان فضایی شهر به سمت نابسامانی و ناپایداری سوق می یابد.

بطور کلی مهمترین مسأله شهرنشینی در ایران، رشد و گسترش شتابان جمعیت در عرصه شهرهاست. این پویا شتابان، نه فقط شهر تهران، بلکه سایر شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک را با مشکلات اساسی روبه رو ساخته است. در این میان، یکی از معضلات شهری کشور ما آشفتگی و عدم انطباق ویژگی های کاربری زمین شهری با استاندارد های رایج شهرسازی است. نمود بارز این آشفتگی در کاربری زمین را می توان در شهر تهران مشاهده کرد. به نحوی که در بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران چندین منطقه از نظر ساختار کالبدی به صورت خودرو شکل گرفته اند که منطقه ۱۷ نیز از جمله این مناطق است و شکل گیری خودرو آن مسائل و معضلاتی را برای این منطقه پدید آورده است، بطوریکه تراکم ناخالص جمعیت در آن

۳۱۱،۴ نفر است که در مقایسه با تراکم ناخالص جمعیت در سطح کلانشهر تهران که معادل ۱۲۳،۵ نفر در هکتار است رقمی بسیار بالا بوده و میزان آن ۲،۵۲ برابر تراکم شهر تهران است و از بین ۳۶۵ محله تهران که دارای تراکم جمعیتی بالایی هستند ۱۸ محله در منطقه ۱۷ واقع شده‌اند.

شایان ذکر است بر اساس مطالعات ریز پهنه‌بندی لرزه‌ای شهر تهران که توسط آژانس همکاری‌های بین‌المللی (jika) تهیه شده است، منطقه ۱۷، پرتراکم‌ترین منطقه در سطح تهران و حتی جهان است. همچنین سرانه مسکونی این منطقه حدود ۱۱،۹۷ مترمربع است که نسبت به سرانه متناظر آن در سطح شهر تهران بسیار پایین است و ۶۷،۵ درصد از قطعات مسکونی آن زیر ۱۰۰ متر مربع مساحت دارند. سرانه فضای سبز در منطقه فقط ۱،۳۷ متر مربع است که مقایسه این سرانه‌ها با سرانه‌های متناظر و متعارف، کمبود محسوس سرانه کاربری‌های خدماتی را نشان می‌دهد.

به همین دلیل هدف این نوشتار جست‌وجوی جنبه‌های نظری عدم تعادل فضایی در منطقه ۱۷ شهرداری تهران و مقایسه آن با سایر مناطق کلانشهر تهران است. پشتوانه فکری این جست‌وجو انگیزه شناخت شکل‌گیری، عملکرد، ویژگی‌ها و تکامل ساختار فضایی شهرهاست تا از این طریق برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان شهری بتوانند بازتاب تصمیم‌ها و فعالیت‌های خود را مرور نمایند. از سوی دیگر، این شناخت چارچوب لازم برای طراحی راهبردهای مختلف و گزینه برای هر یک از نواحی عملکردی یا اجتماعی در شهرها را فراهم می‌سازد (عبدی دانشپور، ۱۳۷۸: ۳۴).

لذا به منظور دنبال کردن قضیه فرضیه‌ای با این عنوان مطرح شد که بین مدیریت شهری در ارائه خدمات و امکانات با وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان محدوده مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد.

به منظور آزمون این فرضیه ابتدا سرانه کاربری‌های خدماتی و هزینه‌های انجام گرفته اجرائی و عمرانی در مناطق ۲۲ گانه توسط شهرداری‌ها با هم مقایسه شده و سپس مناطق ۲۲ گانه به نسبت برخورداری بیشتر، با استفاده از مدل موریس سطح بندی شده‌اند. دامنه اختلاف بین آن‌ها نیز با استفاده از مدل ضریب اختلاف محاسبه شده و نتیجه بدست آمده نشان داده است، شکاف عمیقی در سطح مناطق شهر تهران از نظر برخورداری از سرانه کاربری‌ها و هزینه‌های انجام شده، وجود دارد و در این میان منطقه ۱۷ شهرداری تهران در زمره مناطق محروم است، بطوریکه رتبه نهایی آن در کل کاربری‌ها برابر ۱۶ و در هزینه‌های شهرداری‌ها برابر ۱۷ است. برای دستیابی به علل ایجاد این نابرابری به شناخت وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان پرداخته شد که در این زمینه نخست، چهار دسته شاخص با عنوان شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و برخورداری از امکانات با روش قبلی با هم مقایسه شده و در نهایت همبستگی بین شاخص‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss (ضریب

همبستگی پیرسون) مورد سنجش قرار گرفته است. تا بدینوسیله رابطه بین نابرابری در برخورداری از سرانه کاربری های خدماتی و وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان مشخص شود. لازم به ذکر است در تحقیق حاضر علاوه بر بررسی مستندات کتابخانه ای و اطلاعات تحلیل شده از این مستندات، برای پی بردن به نقطه نظرات ساکنان محدوده مورد مطالعه، از طریق پرسشگری، مبادرت به انجام کار میدانی شده است.

۱- مبانی نظری

بررسی تأثیر نابرابریهای اجتماعی در ساختار فضایی شهرها به عنوان پیامد ناشی از نابرابریهای اقتصاد سرمایه داری، همواره مورد توجه اندیشمندان در رشته های مختلفی چون جغرافیا و به ویژه جامعه شناسی بوده است. تئوریهای رایج در این زمینه را می توان عمدتاً به کارکردگرایان نسبت داد. این گروه نابرابری را ناشی از تمدن و عامل پیشرفت آن می دانند. رویکرد کارکردگرایی در جامعه شناسی با نامهایی همچون امیل دورکیم، کینگزلی دیویس، تالکوت پارسونز و رابرت گ. مرتن شناخته می شود (لیپست و دیگران، ۱۳۸۱؛ ۵۳). نظریه پردازان کارکردگرایی، نابرابری را وجه اساسی هر سازمان اجتماعی می دانند که در جهت کارکرد مؤثر جامعه ایفای نقش می کند. از نظر دیویس و مور نابرابری اجتماعی طرحی ناآگاهانه است که از طریق آن جوامع مطمئن می شوند که مهمترین موقعیتها به طور خودآگاه توسط شایسته ترین افراد اشغال خواهد شد (افروغ، ۱۳۷۷، ۱۷۲).

در جغرافیای شهری دیدگاه کارکردگرایان نسبت به نابرابری اجتماعی بیشتر در قالب نظریات اکولوژیستها مطرح شده است. رابرت پارک، از بنیانگذاران این مکتب بر اساس نگرش جبرگرایانه خود، شهر را موجودی اجتماعی تلقی می کند که رفتار ساکنین و سازمان اجتماعی آن تحت الشعاع مبارزه برای ادامه حیات است (Knox and Pinch, ۲۰۰۰: ۲۱۵). بنیانگذاران مکتب شیکاگو نیز معتقدند که گروههای شهری با هر جایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه های گیاهی، با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیکی (تهاجم، توالی و تسلط) در زیستگاه خویش را در طول زمان طی می کنند. (شکویی، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

به تعبیر رابرت پارک (Robert Park)، تمایز یافتگی کارکردی، به صورت فضایی نیز تبلور پیدا می کند. زیرا رقابت نه تنها باعث تقسیم کار می شود بلکه گروههای مختلف اقتصادی را به نواحی گوناگون شهری پراکند. بر این اساس پارک به تبیین

ارزش اراضی و طبعاً الگوی کاربری زمین به وسیله گروه‌های کارکردی مختلف می‌پردازد. تفاوت در ارزش زمین مکانیزی است که توسط آن گروه‌های مختلف کارکردی در فضا به شیوه‌ای منظم و بدون برنامه‌ریزی پخش می‌شوند (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۰۳-۲۰۲). از جمله کسانی که تاثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنین شهری را در ساختار فضایی شهر را با مدلی بر گرفته از کارهای تحقیقاتی ارائه داده است، ارنست برگس (Ernest Burgess) و هویت (Hoyt) می‌باشند. مدل ساختار شهری برگس که به دواير متحدالمركز (Concentric Zone) معروف است از جمله کاربردی ترین مدل‌ها در زمینه به تصویر کشاندن ساخت اکولوژیکی شهر و نیروهای تولید کننده آن است (Hall ۲۰۰۶: ۸) در این مدل کیفیت مسکن و طبقه اجتماعی با فاصله از مرکز شهر افزایش می‌یابد. وی ساخت اکولوژیک شیکاگو که آن را به دیگر شهرهای بزرگ دنیا نیز تعمیم می‌دهد به شرح زیر بیان می‌نماید (Nagle, ۲۰۰۱: ۲۷۳).

منطقه اول (دایره اول): مرکز تجاری شهر، فعالیت‌های اجتماعی و اداری، موسسات حمل و نقل، هتل‌های قدیمی،

رستوران‌ها و بانک‌هاست.

منطقه دوم از واحدهای مسکونی، صنایع سبک و منطقه آلودگ‌نشین تشکیل می‌شود که بیشترین جرم و جنایت در این

منطقه انجام می‌گیرد و گاهی از آن به عنوان «منطقه تحول در شهرها» نام می‌برند.

منطقه سوم: محل سکونت کارمندان و کارگران کارخانه‌هاست که بیشتر آنها از منطقه دوم به اینجا آمده‌اند و مایلند در

مجاورت محل کارشان زندگی کنند.

منطقه چهارم: محل سکونت طبقه ممتاز، مرفه یا متوسط شهری است.

منطقه پنجم: شامل حومه‌های خوابگاهی و شهرک‌هایی است که ساکنان آن در طول روز به محل اشتغال خود در شهر

می‌روند و عصرها به آن مراجعت می‌کنند.

مدل ساخت قطاعی (Sectoral Model) همرویت (Homer Hoyt)، را می‌توان به منزله تکمیل طرح متحدالمركز برگس

تلقی نمود. طرح ساخت قطاعی هویت علاوه بر فاصله، جهت را نیز از مرکز شهر رو به پیرامون و حاشیه شهر مورد توجه قرار

داد. طبق نظریه هویت استقرار مساکن انسانی به تبع شرایط اقتصادی گروه‌های اجتماعی در جهت و سمت معینی از شهر شکل

می‌گیرد. (همان منبع). از ضعفهای مدل هویت تاکید بر ویژگیهای اقتصادی (اجاره بهای خانه در شهرهای آمریکایی) و کاربریهای مسکونی است (Pacione, 2001: 134).

مدل «ساخت چند هسته‌ای» (Multiple Nuclei Models) هریس (Harris) و اولمن (Ullmann) بر خلاف مدل‌های قبلی که ساختار شهر را یک هسته ای نمایش داده‌اند نشان می‌دهد که شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ دارای مراکز (گره‌گاه‌هایی) از قبل می‌باشند که همراه با گسترش شهر در آن ادغام می‌گردند. هر مرکز "هسته" دارای کاربریهای در اطراف خود بوده که نهایتاً ساختار شهر را متاثر می‌سازند. در حقیقت این مدل را برای تشریح ساختار شهرها در اواخر قرن بیستم و اوائل قرن بیست و یکم واقع بینانه‌تر تلقی کرده اند (Kaplan, Wheeler and Holloway 2009: 199).

اگر چه اعتقاد بر این است که نظریات فوق به درک بهتر جغرافیای اجتماعی شهرها در کشورهای صنعتی قبل از جنگ جهانی دوم کمک کرد ولی در کل این نظریات را توصیفی و ساده نگرانه و برخوردار از استقرایی در توصیف ساختار شهر دانسته اند. (Ibid, 201) از این رو شروع کمیت‌گرایی در جامعه‌شناسی و جغرافیا سبب ارائه نظریات جدید از جمله تحلیل حوزه‌های اجتماعی و عامل اکولوژیکی (Social Area Analysis and Factorial Ecology) توسط شوکی (Shevky) و بل (Bell) در تحلیل ساختار شهرها گردید. (Johnston, 1973: 85) در این راستا ویرث (Wirth) که شاگرد پارک و برگس بوده علیه روش‌شناسی مکتب شیکاگو که استقرایی و بر پایه مشاهده و تجربه بوده است نیز حرکت نمود و برخوردار از قیاسی در تحلیل شهر و زندگی اجتماعی آن را مطرح نمود. وی بین شهرنشینی که در ارتباط با روندهای جمعیتی و اقتصادی که سبب تغییرات شدید شهر می‌گردد با شهرگرایی که ناشی از مجموعه‌ای مرتبط از واکنشهای اجتماعی و روانشناختی به این روندها است تفاوت قائل شده است. بنابراین با تحلیل حوزه‌های اجتماعی شهرها از طریق بکارگیری روشهای کمی چون تحلیل عاملی (Factor Analysis) که به تحلیل اکولوژیکی نیز معروف است می‌توان به تفسیر منطقی‌تری از الگوهای اجتماعی شهر دست یافت. در این تحلیل، عامل‌های عمده‌ای که در سازماندهی ساختار شهر مؤثرند را سه عامل، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، وضعیت خانوادگی و جدایی‌گزینی نژادی و قومی دانسته اند (Ibid 202).

نگرش اقتصاد سیاسی بر سازمان اجتماعی - فضایی شهرها بر خلاف دیدگاه‌های فوق که مبتنی بر انتخاب فردی است آن را بخشی از سیستم اقتصادی می‌داند. بنابراین اشغال فضاهای شهری بنا به خواست ساکنین نبوده بلکه نیروی وسیعی سبب جایابی آنان می‌گردد. از این رو قدرت ناشی از ساختار سیاسی و یا اقتصادی در این نگرش مطرح می‌شود. چرا که تضاد طبقاتی از جمله ویژگی‌های بارز سرمایه داری است. بنابراین تقسیم فضاهای شهری بر حسب وضعیت اجتماعی ساکنین که به مسکن متفاوت (Residential Differentiation) شناخته می‌شوند، عامل ادامه و حفظ این سیستم از طریق باز تولید اجتماعی است. (Harvey, ۱۹۷۵، ۳۶۴) برای نمونه جرالدرپرت معتقد است که شکل فضایی شهر را باید در رابطه با مفهوم شیوه تولید، درک و نظریه پردازی کرد، شهر هم منعکس کننده روابط اجتماعی اساسی در جامعه سرمایه‌داری و هم تولید کننده مجدد آن محسوب می‌شود، از آنجائیکه سرمایه‌گذاری مالی ماهیتاً نابرابر است بنابراین چرایی وجود محلات فقیر و ثروتمند نشین در شهر را توجیه می‌نماید (Keil: ۲۰۰۴، ۱۳۴).

تأثیر قطبی شدن اجتماعی (Social Polarization) به تبع افزایش شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی ناشی از تغییرات اقتصادی در عصر جهانی شدن بر ساختار شهرها قطبی شدن فضایی (Spatial Polarization)، افزایش تمرکز فضایی و جدایی گروه‌های اجتماعی را در شهرها به دنبال داشته است. نگرانی از مسائل اجتماعی ناشی از چنین وضعیتی جداسازی یا به عبارتی ایمن سازی نواحی ثروتمند نشین را از سایر نواحی شهری از طریق دیوار و دروازه سبب شده است. از این رو ساختار اجتماعی - فضایی شهرها بنا به گفته خانم ساس کیا (Saskia) دوگانه (Dual city) یا شبیه به شهر تقسیم شده (Divided city) است. نیرویی که این چنین ساختاری را ایجاد می‌کند قطبی شدن اقتصادی است. فزونی کارگران کم در آمد ناشی از تغییر شرایط زندگی افراد برتر از بعد اقتصادی - اجتماعی است.

پیتر مارکوس (Peter Marcuse) شهرهای جهانی شده را متشکل از سه عنصر اساسی می‌داند: (Marcuse: ۱۹۹۷، ۲۵۴) ارگ (Citadel): به نواحی بسته و حفاظت شده اطلاق شده که صرفاً به سکونت اقشار پر درآمد شهری اختصاص دارد. محاط شده (Enclave): به فضاهای متمرکز از نظر اجتماعی گفته می‌شود که نیروی تشکیل دهنده آنها داوطلبانه است نه تحمیلی.

گتو (Ghetto): به فضاهایی که در نتیجه نیروی بیرونی و خارج از انتخاب و خواست ساکنین ایجاد شده اطلاق می گردد که به سکونت اقشار فقیر شهر اختصاص دارد.

۲- تحلیل عدم تعادل و نابرابری فضایی - کالبدی در منطقه ۱۷

۱-۲- مقایسه سرانه کاربری اراضی (کاربریهای خدماتی) منطقه ۱۷ با مناطق ۲۲ گانه تهران

برای انجام این مرحله از تحقیق اطلاعات مورد نظر به تفکیک مناطق، از طرح جامع تهران استخراج گردیده و سپس با استفاده از مدل موریس، مناطق به نسبت برخورداری بیشتر سطح بندی شده و ضریب اختلاف بین شاخص ها نیز با استفاده از مدل ضریب اختلاف محاسبه شده است و بدین ترتیب رتبه منطقه ۱۷ در برخورداری از سرانه کاربریها بدست آمده است. نتایج بدست آمده نشان داده است که شکاف عمیقی در سطح مناطق شهر تهران از منظر برخورداری از سرانه کاربری ها وجود دارد و بیشترین عدم تعادل، مربوط به کاربری تأسیسات و تجهیزات است. در این میان منطقه ۱۷ شهرداری تهران در زمره مناطق محروم از کاربریهای خدماتی است، بطوریکه در برخورداری از کاربریهای آموزشی، بهداشتی - درمانی، فرهنگی، مذهبی، ورزشی، تفریحی و پذیرایی، تأسیسات و تجهیزات بترتیب رتبههای ۱۷، ۱۳، ۲۰، ۱۳، ۱۷، ۱۰ و ۲۰ را کسب کرده و رتبه نهایی آن در کل کاربریها برابر ۱۶ است.

جدول شماره ۱: رتبه منطقه ۱۷ شهرداری تهران در کاربریهای خدماتی در میان سایر مناطق تهران

رتبه نهایی کاربری	آموزشی	بهداشتی- درمانی	فرهنگی	مذهبی	ورزشی	تفریحی - پذیرایی	تأسیسات - تجهیزات	رتبه نهایی
رتبه	۱۷	۱۳	۲۰	۱۳	۱۷	۱۰	۲۰	۱۶

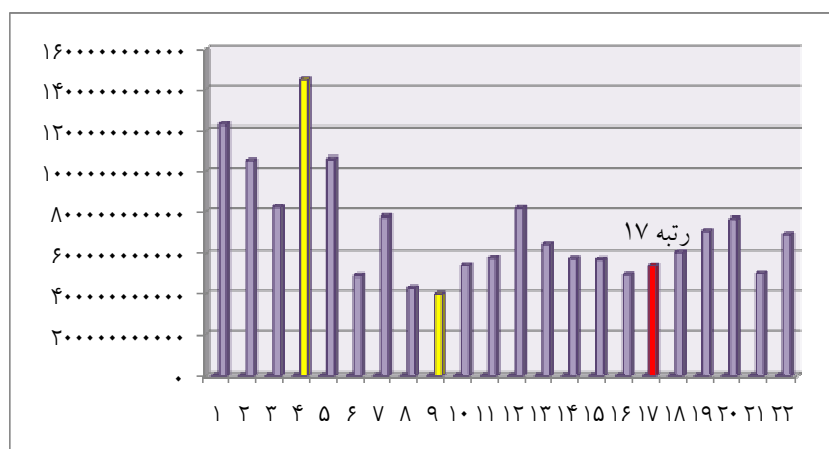
مأخذ: بررسی های محقق

در این مرحله در پی جست و جوی سهم مدیریت شهری در پیدایش نابرابری، هزینه های جاری و عمرانی انجام گرفته توسط شهرداری در مناطق ۲۲ گانه مورد بررسی قرار گرفته است .

۲-۲- بررسی متوسط هزینه های جاری و عمرانی تخصیص یافته در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در پنج سال گذشته (۱۳۸۵-۱۳۸۹)

پارامتر مذکور نیز میزان توجه و یا عدم توجه مدیران شهری به هر یک از مناطق را آشکار می سازد . در این زمینه بر اساس آمار هزینه های جاری و عمرانی دریافتی از شهرداری تهران ، میزان هزینه های انجام شده در منطقه ۱۷ و مقایسه آن با سایر مناطق در نمودار شماره ۲ منعکس شده است که با بررسی آنها می توان دریافت ، منطقه ۱۷ جزو مناطق کم هزینه شهر تهران محسوب می شود و از نظر میزان هزینه های جاری و عمرانی انجام گرفته بین ۲۲ منطقه شهری ، در رتبه ۱۷ قرار دارد.

نمودار شماره ۲: هزینه های جاری و عمرانی صورت گرفته در پنج سال گذشته در مناطق تهران



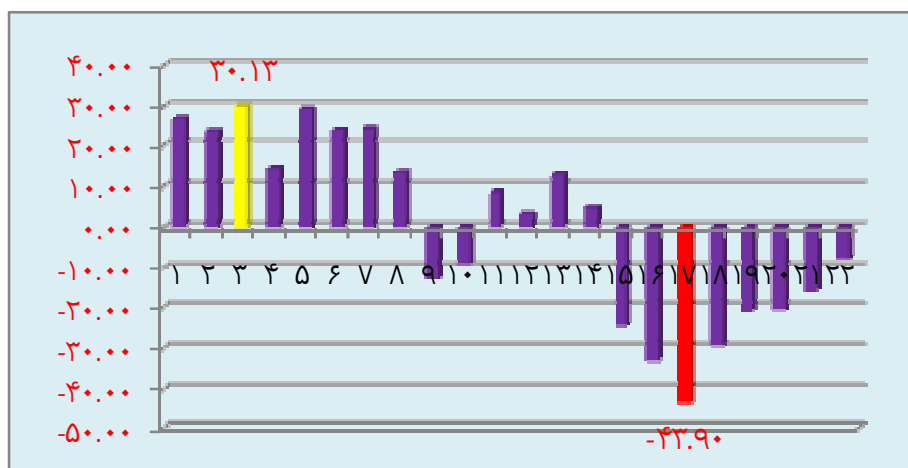
مأخذ: شهرداری تهران - اداره کل امور مالی و اموال - معاونت خزانه داری کل

بنابراین برای دستیابی به علت یا عوامل ایجاد عدم تعادل فضایی - کالبدی در منطقه ۱۷ شهرداری تهران با توجه به فرضیه مورد نظر تحقیق ، اقدام به بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنین مناطق با استفاده از چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی ، کالبدی و برخورداری از امکانات شده است .

۲-۳- بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنین مناطق با استفاده از چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و برخورداری از امکانات

برای بررسی وضعیت اجتماعی- اقتصادی ساکنان مناطق، چهار دسته شاخص با عنوان شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و برخورداری از امکانات انتخاب شده و اطلاعات شاخص‌های مورد نظر به تفکیک مناطق استخراج گردیده و سپس مناطق ۲۲ گانه به نسبت برخورداری بیشتر، با استفاده از مدل موريس سطح بندی شده‌اند. دامنه اختلاف بین شاخص‌ها نیز با استفاده از مدل ضریب اختلاف محاسبه گردیده است و در نهایت، همبستگی بین شاخص‌های نهایی توسعه با استفاده از نرم‌افزار SPSS (ضریب همبستگی پیرسون) مورد سنجش قرار گرفته است. بدین ترتیب بر اساس شاخص‌های تعیین شده، مناطق شهر تهران مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند تا از این طریق رتبه منطقه ۱۷ در بین سایر مناطق در هر یک از شاخص‌های مورد نظر به دست آید. نتایج بررسی انجام شده، بر اساس هر یک از شاخص‌ها در نمودارهای شماره ۳ الی ۴ منعکس شده است که این نمودارها، انحراف جایگاه مناطق ۲۲ گانه را از میانگین سطح بندی مناطق مطابق مدل موريس نشان می‌دهد (در این نمودار خط صفر فرضی، میانگین سطح بندی مناطق در نظر گرفته شده است).

نمودار شماره ۳: شناخت وضعیت شاخص‌های اقتصادی

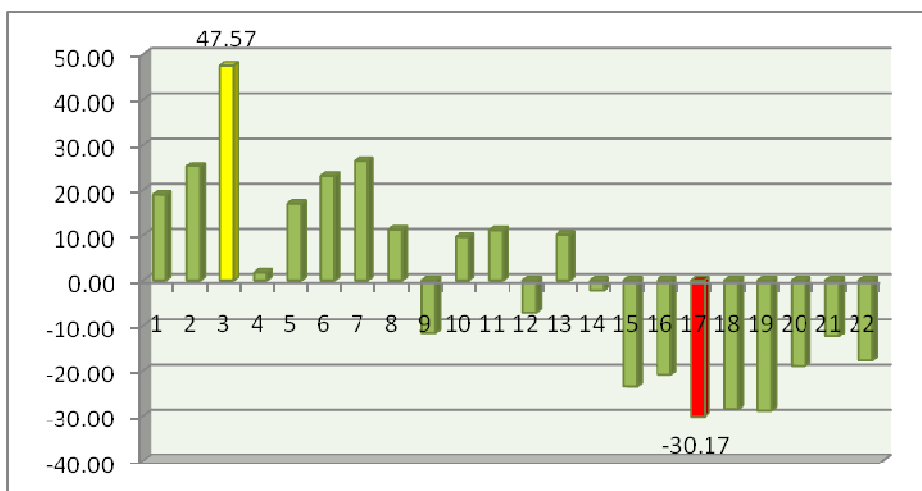


به منظور بررسی تفاوت در وضعیت اقتصادی ساکنین مناطق مختلف تهران، هشت متغیر از شاخص‌های اقتصادی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخص‌ها عبارتند از: ۱- نرخ فعالیت ۲- نرخ بیکاری ۳- درصد کارگران ساده، متصدیان، مونتازکاران ماشین آلات و دستگاه‌ها و رانندگان وسایل نقلیه نسبت به کل شاغلین ۴- درصد قانون گذاران، مقامات عالی‌رتبه، مدیران و متخصصان نسبت به کل شاغلین ۵- درصد هزینه خوراکی به کل هزینه‌ها ۶- درصد خانوارهای واقع در دهک اول

تا پنجم هزینه ناخالص کشور ۷ - درصد خانوارهای واقع در دهک ششم تا دهم هزینه ناخالص کشور ۸ - متوسط قیمت خرید و فروش واحد های مسکونی در پاییز سال ۱۳۸۸

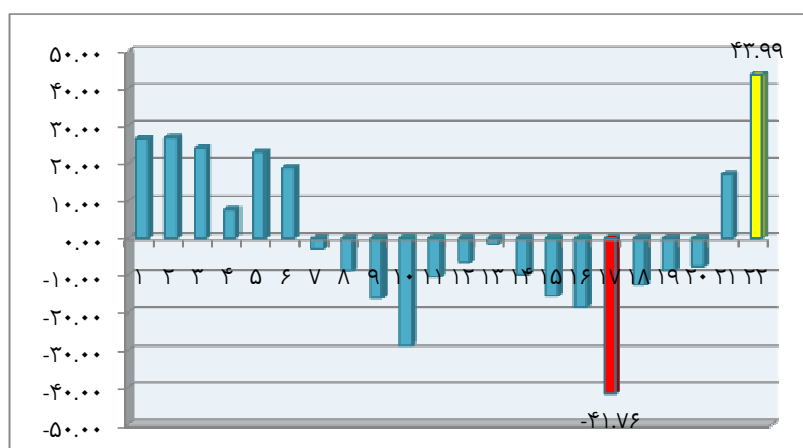
نمودار وضعیت شاخص های اقتصادی نشان می دهد که از میان ۲۲ منطقه شهر تهران ، ۱۲ منطقه که شامل مناطق ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ و ۱۴ است از نظر وضعیت اقتصادی دارای سطحی بالاتر از میانگین سطح بندی مناطق است و سایر مناطق یعنی مناطق ۹ ، ۱۰ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ و ۲۲ دارای جایگاهی پایین تر از میانگین سطح بندی مناطق هستند که در این میان منطقه ۱۷ ، نامتعالی ترین منطقه شناخته شده است و معادل ۴۳،۹۰ سطح پایین تر از مناطق دیگر است .

نمودار شماره ۴: شناخت وضعیت شاخص های اجتماعی



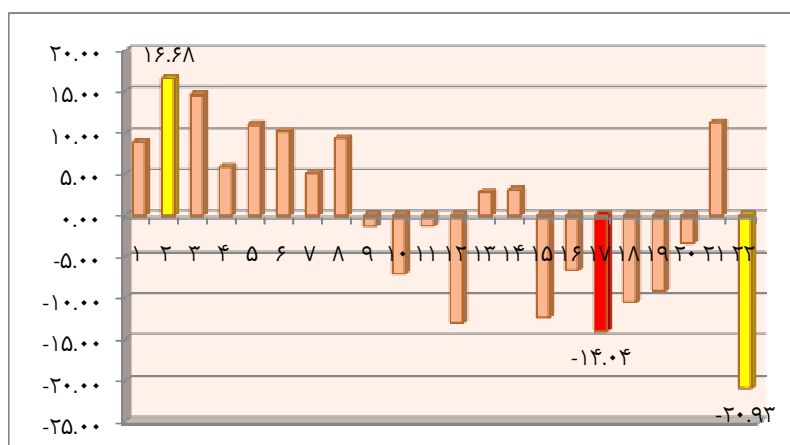
برای آگاهی از وضعیت اجتماعی ساکنین مناطق ، شش شاخص نسبت جنسی، بعد خانوار، بار تکفل، نسبت باسوادی ، درصد شاغلین زن و نسبت فارغ التحصیلان لیسانس و دکترا مورد سنجش واقع شده است. نتایج بررسی نشان می دهد که به غیر از مناطق ۱۲ و ۱۴ ، مناطقی که در شاخص قبلی بالاتر از میانگین بودند، در این شاخص نیز موقعیت خود را حفظ کرده اند و همچنان بالاتر از میانگین قرار دارند . همچنین در میان مناطق پایین تر از میانگین به جز منطقه ۱۰ ، سطح سایر مناطق هنوز کمتر از میانگین بوده و منطقه ۱۷ در این شاخص نیز کمترین رتبه را در میان مناطق نابرخوردار داراست .

نمودار شماره ۵: شناخت وضعیت شاخص های کالبدی



شاخص هایی که به عنوان شاخص های کالبدی مطرح و مورد استفاده قرار گرفته اند، در حقیقت بعنوان شاخصی در پی بردن به سطح اقتصادی- اجتماعی ساکنین مناطق مورد استفاده قرار گرفته اند. این شاخص ها عبارتند از: تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم خالص جمعیت، تراکم ناخالص جمعیت، درصد بناهای دارای زیر بنای کمتر از ۷۵ متر مربع نسبت به منطقه، سرانه مسکونی، سرانه خدمات، درصد بناهای بیش از، بطوریکه مناطق ۱ الی ۶ همانند دو شاخص قبلی در ردیف مناطق برخوردار هستند، مناطق ۷ الی ۲۰ که جزو مناطق مرکزی و جنوبی شهر هستند، در میان مناطق نابرخوردار قرار دارند و مناطق ۲۱ و ۲۲ به دلیل اینکه قدمت شان به بیش از دو دهه نمی رسد و بیشتر بناهایشان نوساز هستند، بر خلاف دو شاخص قبلی بالاتر از میانگین قرار دارند. نکته قابل توجه اینکه منطقه ۱۷ حدود ۴۱,۷۶ سطح کمتر از میانگین را داراست و کمترین رتبه و جایگاه را به دست آورده است.

نمودار شماره ۶: شناخت وضعیت شاخص‌های برخورداری



هدف از مطالعه این شاخص، شناسایی و تعیین میزان برخورداری منطقه ۱۷ از امکانات شهری و برخی شاخص‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با سایر مناطق کلانشهر تهران است. این شاخص‌ها که شامل ۱۱ مورد است، عبارتند از: ۱- دارا بودن حداقل برق ۲- حداقل آب لوله کشی ۳- حداقل تلفن ثابت ۴- حداقل گاز لوله کشی ۵- حداقل دستگاه حرارت مرکزی ۶- حداقل دستگاه حرارت و برودت مرکزی ۷- حداقل آشپزخانه ۸- حداقل حمام در واحد مسکونی ۹- درصد خانوارهای برخورداری از اتومبیل ۱۰- درصد خانوارهای برخورداری از رایانه ۱۱- درصد خانوارهای برخورداری از ماشین ظرفشویی.

در این شاخص مناطق ۱ الی ۸ همانند شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در زمره مناطق برخورداری هستند و در میان مناطق ۹ الی ۲۲ به جز مناطق ۱۳، ۱۴ و ۲۱ بقیه مناطق جزو مناطق نابرورداری به شمار آمده‌اند. لازم به توضیح است که منطقه ۱۷ در این شاخص رتبه بیست و یکم را بعد از منطقه ۲۲ به دست آورده است.

مقایسه نتایج نهایی شاخص‌های چهارگانه در سطح مناطق نشان می‌دهد که وضعیت نوسانات ضریب نهایی شاخص اجتماعی در بین مناطق بیشتر از سایر شاخص‌ها است و در مقابل از نظر شاخص‌های برخورداری تفاوت کمتری بین ساکنین

مناطق وجود دارد که عمده ترین دلیل آن مربوط به نوع شاخص ها است که اکثر آن ها جزو امکانات اولیه واحد مسکونی محسوب می شوند و فقدان آن ها در منازل مسکونی پایتخت دور از ذهن است . چنانکه در شاخص هایی نظیر برخورداری از اتومبیل و... که جزو نیازهای ثانویه هستند شکاف بیشتری بین مناطق وجود دارد .

همچنین به منظور شناخت رابطه و همبستگی بین شاخص های چهارگانه (که نشان دهنده وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان مناطق است) ، متغیرهای مذکور از طریق نرم افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفته اند و نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر وجود همبستگی مستقیم بین شاخص های چهارگانه در سطح مناطق است و در میزان همبستگی ، بترتیب شاخص های نهایی اجتماعی - اقتصادی (۰,۹۲)، اجتماعی و برخورداری از امکانات (۰,۷۸)، اقتصادی و برخورداری از امکانات (۰,۷۴) با ضریب اطمینان ۹۹٪ و سطح معناداری ۰,۰۱ و پس از آن شاخص های اقتصادی - کالبدی (۰,۶۳) ، اجتماعی - کالبدی (۰,۴۸) و کالبدی - برخورداری از امکانات (۰,۴۶) با ضریب اطمینان ۹۵٪ و سطح معناداری ۰,۰۵ قرار دارند .

لازم به توضیح است علت وجود همبستگی ۰,۴۸ بین شاخص نهایی اجتماعی با کالبدی در سطح شهر تهران ، به دلیل وجود بافت فرسوده و قدیمی در مناطق شمالی و مرکزی شهر و سکونت اقشار با وضعیت برتر اجتماعی در این مناطق است . همچنین دلیل وجود همبستگی ۰,۴۶ بین شاخص های کالبدی و برخورداری از امکانات ، مربوط به انتخاب نوع شاخص ها است . همبستگی بین شاخص های مورد نظر در جداول شماره ۲ و ۳ و نمودارهای شماره ۷ الی ۱۲ نشان داده شده است . نمودارهای مذکور نمایانگر آن است که به موازات بالا رفتن سطح یک شاخص ، سطح شاخص دیگر نیز ترقی کرده و روند صعودی داشته است .

جدول ۲: بررسی میزان همبستگی بین شاخص های چهار گانه

شاخص نهایی	شاخص نهایی	شاخص نهایی	شاخص نهایی	شرح
برخورداری	کالبدی	اجتماعی	اقتصادی	
**۰,۷۴	*۰,۶۳	**۰,۹۲	۱	شاخص نهایی اقتصادی
**۰,۷۸	*۰,۴۸	۱	**۰,۹۲	شاخص نهایی اجتماعی

*.۰,۴۶	۱	*.۰,۴۸	*.۰,۶۳	شاخص نهایی کالبدی
۱	*.۰,۴۶	**۰,۷۸	**۰,۷۴	شاخص نهایی برخورداری

*: ۹۵٪ اطمینان (سطح معناداری ۰/۰۵)

** : ۹۹٪ اطمینان (سطح معناداری ۰/۰۱)

Correlations

		eghtesadi	ejtemaee	kalbodi	barkhordari
eghtesadi	Pearson Correlation	1	.917**	.633**	.745**
	Sig. (2-tailed)		.000	.002	.000
	N	22	22	22	22
ejtemaee	Pearson Correlation	.917**	1	.484*	.776**
	Sig. (2-tailed)	.000		.022	.000
	N	22	22	22	22
kalbodi	Pearson Correlation	.633**	.484*	1	.456*
	Sig. (2-tailed)	.002	.022		.033
	N	22	22	22	22
barkhordari	Pearson Correlation	.745**	.776**	.456*	1
	Sig. (2-tailed)	.000	.000	.033	
	N	22	22	22	22

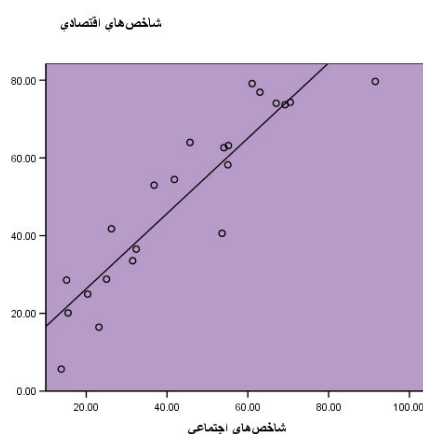
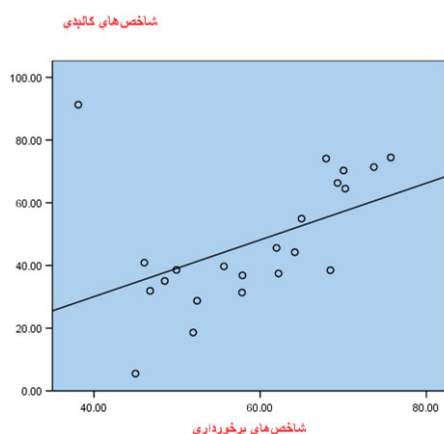
** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

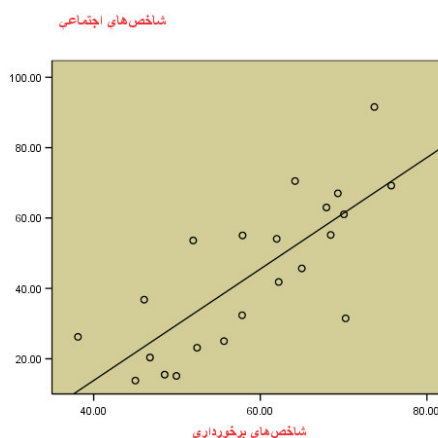
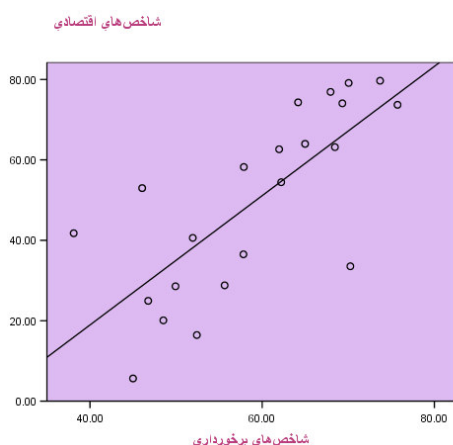
جدول ۳- بررسی میزان همبستگی بین شاخص های چهارگانه

شرح	شاخص نهایی اقتصادی	شاخص نهایی اجتماعی	شاخص نهایی کالبدی	شاخص نهایی برخورداری
شاخص نهایی اقتصادی	عالی	خوب تا بسیار خوب	بسیار خوب	
شاخص نهایی اجتماعی	عالی	متوسط	بسیار خوب	
شاخص نهایی کالبدی	خوب تا بسیار خوب	متوسط	متوسط	
شاخص نهایی برخورداری	بسیار خوب	بسیار خوب	متوسط	

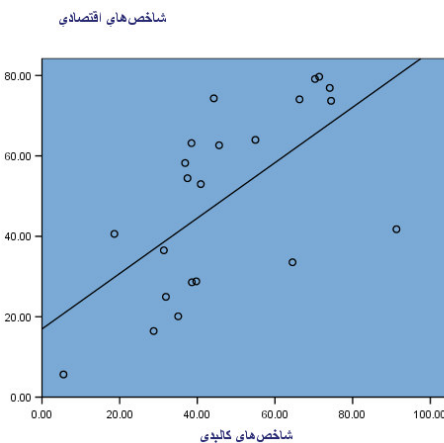
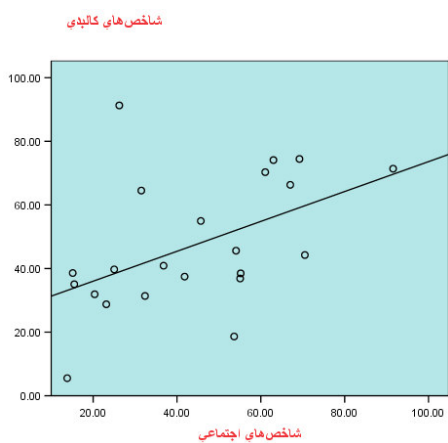
نمودار شماره ۷: همبستگی شاخص های اقتصادی - اجتماعی / نمودار شماره ۸: همبستگی شاخص های اقتصادی - برخورداری



نمودار شماره ۹: همبستگی شاخص‌های اجتماعی و بر خورداری نمودار شماره ۱۰: همبستگی شاخص‌های اقتصادی و بر خورداری



نمودار شماره ۱۱: همبستگی شاخص‌های اقتصادی - کالبدی نمودار شماره ۱۲: همبستگی شاخص‌های اجتماعی کالبدی



۲-۴- تحلیل

وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین مناطق

به منظور آگاهی از وضعیت سطح زندگی ساکنان مناطق مختلف، مجموع داده‌های شاخص‌های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و بر خورداری از امکانات (مجموعاً ۳۶ شاخص) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این بررسی

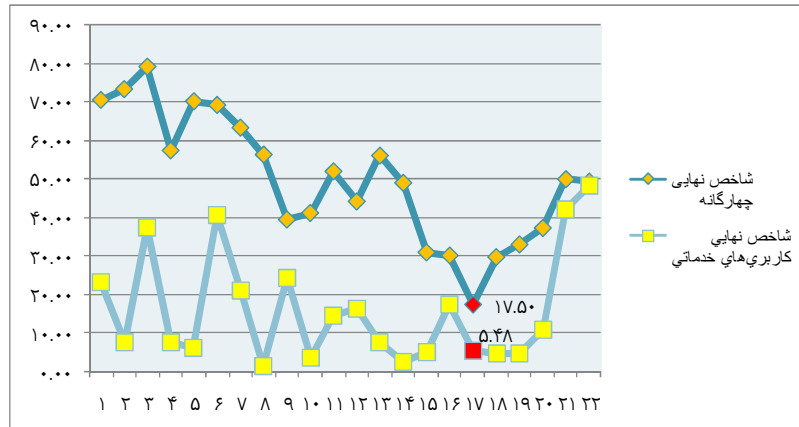
نشان می‌دهد که در سطح بندی نهایی مناطق شهر تهران (جمع بندی نهایی شاخص های چهارگانه) ضریب شاخص نهایی بین منطقه دارای رتبه اول (منطقه ۳) و منطقه دارای رتبه آخر (منطقه ۱۷) از ۷۹,۰۷ تا ۱۷,۵۰ نوسان دارد. این ارقام وجود دامنه اختلاف چشمگیر بین مناطق ۲۲ گانه را آشکار می‌سازد.

ضریب اختلاف (C.V) شاخص های چهارگانه نشان می‌دهد که شاخص اجتماعی (با ضریب اختلاف ۰/۴۸) دارای بیشترین اختلاف و تفاوت در بین مناطق بوده و شاخص اقتصادی (با ضریب اختلاف ۰/۴۵) در رتبه دوم از نظر میزان اختلاف است. همچنین شاخص کالبدی (با ضریب اختلاف ۰/۴۳) و شاخص برخورداری (با ضریب اختلاف ۰/۱۷) دارای کمترین تفاوت در بین مناطق بوده است.

در سطح بندی نهایی مناطق شهر تهران، رتبه‌های ۱ الی ۲۲ را بترتیب منطقه‌های ۳، ۲، ۱، ۵، ۶، ۷، ۴، ۸، ۱۳، ۱۱، ۲۱، ۲۲، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۲۰، ۱۹، ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۱۷ کسب کرده‌اند. در این زمینه نقشه شماره ۱ وضعیت شاخص های مورد مطالعه را منعکس می‌سازد.

در نمودار شماره ۱۳ موقعیت منطقه ۱۷ در شاخص های چهارگانه مطالعه شده (که نشانگر وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنین آن است) و شاخص کاربری های خدماتی نشان داده شده است. این نمودار بیانگر آن است که منطقه ۱۷ در هر دو شاخص سیر صعودی داشته است و عدم برخورداری منطقه از کاربری های مختلف دارای رابطه مستقیمی با پایین بودن وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنین آن دارد.

نمودار شماره ۱۳: موقعیت منطقه ۱۷ شهرداری تهران در شاخص های چهارگانه و خدماتی



با بدست آمدن ضریب شاخص نهایی کلی از وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین و محاسبه ضریب شاخص نهایی کاربری اراضی در سطح مناطق ۲۲ گانه ، میزان همبستگی بین این دو ستون محاسبه گردید و میزان آن برابر با ۰/۳۴۵ بدست آمد. شایان ذکر است وجود همبستگی بین متغیرهای مذکور در نمودارهای شماره ۳ و ۴ نشان داده شده است که بررسی این نمودار نشان می‌دهد، به موازات بالا رفتن سطح شاخص‌های چهارگانه سطح کاربری‌های خدمتی نیز روند صعودی داشته است .



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری

عنوان نقشه:
سطح بندی مناطق شهری تهران
از لحاظ شاخص های چهارگانه

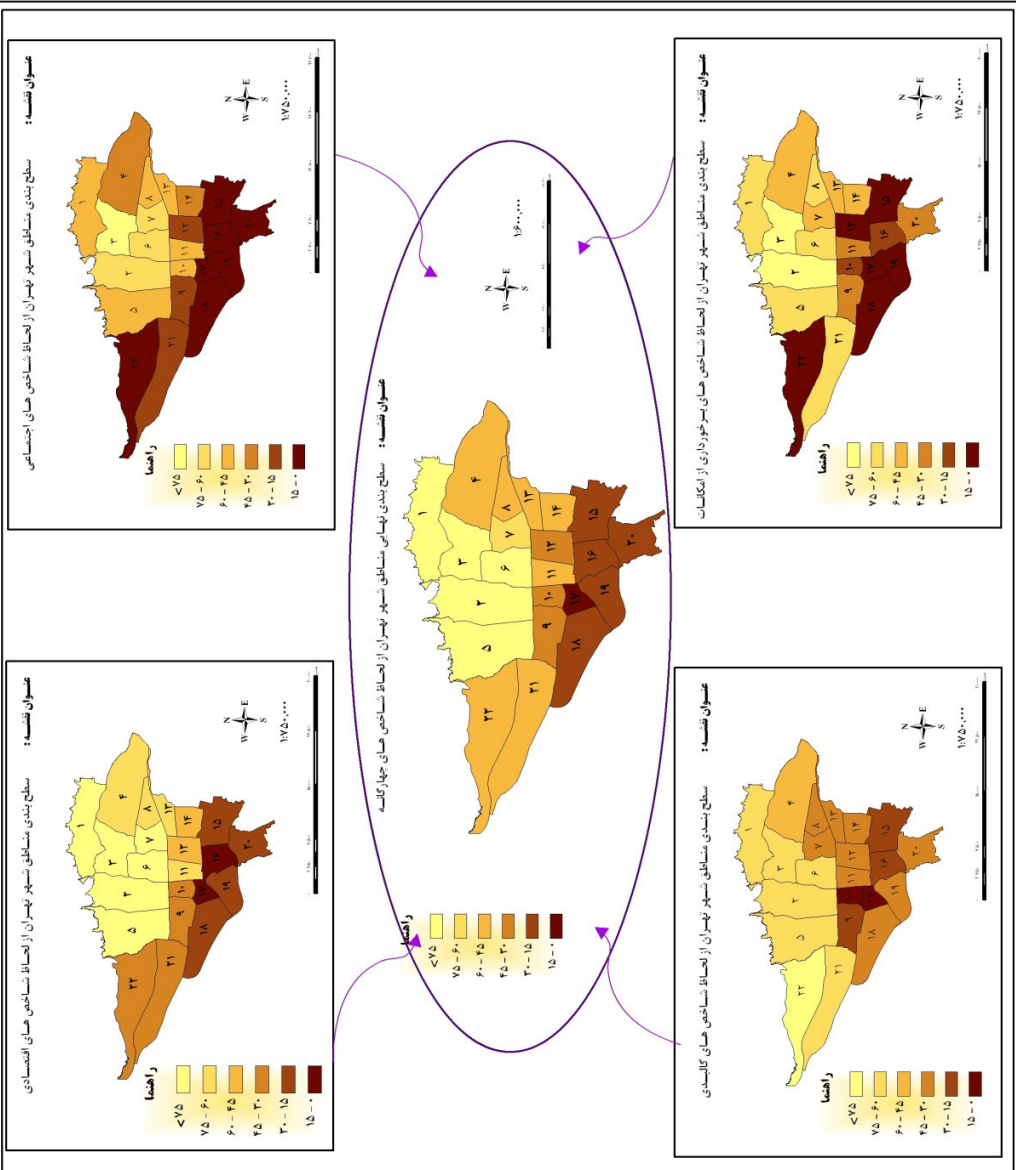
عنوان پایان نامه:
بررسی عدم تعادل و نابرابری فضایی - کالبدی
در منطقه ۱۷ شهرداری تهران

اساد راهنما:
دکتر زینبلا سجادی

اساد مشاور:
دکتر اکبر برهنه کار

دانشجو:
معمومه باغبان

شماره نقشه: ۵-۴
محل: نگارخانه



نمودار شماره ۱۴: همبستگی بین شاخص‌های چهارگانه و کاربری‌های خدماتی

Correlations

		chahargane	landuse
chahargane	Pearson Correlation	1	.345
	Sig. (2-tailed)		.116
	N	22	22
landuse	Pearson Correlation	.345	1
	Sig. (2-tailed)	.116	
	N	22	22

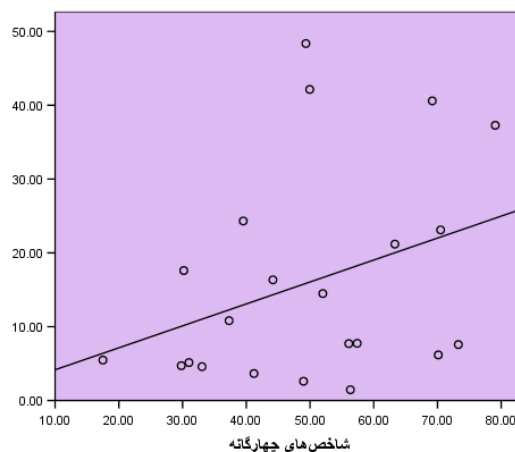
Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.345 ^a	.119	.075	13.76315

a. Predictors: (Constant), chahargane

نمودار شماره ۱۵: همبستگی بین شاخص‌های چهارگانه و کاربری‌های خدماتی

کاربری‌های خدماتی



همچنین رابطه بین هزینه‌های جاری و عمرانی صورت گرفته توسط شهرداری و شاخص‌های چهارگانه (اقتصادی ، اجتماعی ، کالبدی و برخورداری از امکانات) با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بدین وسیله مشخص گردید که بین این دو متغیر همبستگی معادل ۰,۴۹۹ با میزان معنی‌داری ۰,۰۵ وجود دارد (نمودار شماره ۱۶).

نمودار شماره ۱۶: همبستگی بین شاخص‌های چهارگانه و هزینه‌های صورت گرفته توسط شهرداری‌ها

Correlations

		chahargane	hazine
chahargane	Pearson Correlation	1	.499*
	Sig. (2-tailed)		.018
	N	22	22
hazine	Pearson Correlation	.499*	1
	Sig. (2-tailed)	.018	
	N	22	22

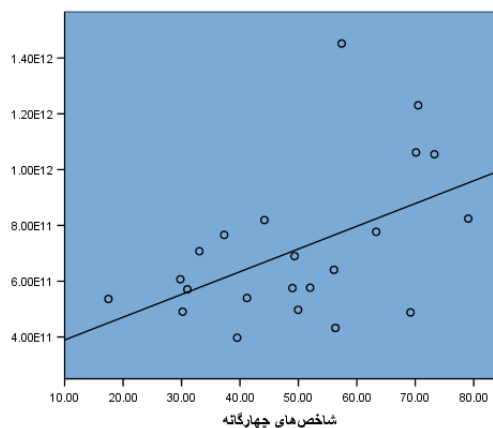
*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.499 ^a	.249	.211	14.73556

a. Predictors: (Constant), hazine

هزینه‌های جاری و عمرانی



۲-۵- عدم تعادل و نابرابری فضایی - کالبدی در محله ۸

برای اطلاع از نظر ساکنین منطقه در رابطه با نقش مدیریت شهری در ایجاد عدم تعادل و نابرابری فضایی - کالبدی اقدام به تنظیم پرسشنامه و تکمیل آن توسط اهالی محله ۸ از ناحیه ۳ منطقه ۱۷ شهرداری تهران گردید که در زیر به تشریح آن پرداخته می شود.

به منظور شناخت همبستگی بین شاخص‌های مطرح در پرسشنامه، متغیرهای مذکور از طریق نرم افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفته‌اند که نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون بیانگر آن است که بین شاخص‌های مورد نظر با ضریب اطمینان ۹۹٪ و سطح معناداری ۰,۰۱ همبستگی مستقیم وجود دارد (نمودار شماره ۱۵ و جدول شماره ۴).

نمودار شماره ۱۵: همبستگی بین شاخص‌های مورد توجه در پرسشنامه

Correlations

		kamboud emkanat	faragatma halatdigar	marakeza mozashi	behdashti avalie	adamrezayat azshahrdari	tamayols okonat
kamboudemkanat	Pearson Correlation	۱	.۹۳۳**	.۸۰۲**	۱,۰۰۰**	.۷۱۴**	.۷۱۴**
	Sig. (۲-tailed)		.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
	N	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
faragatmahalatdigar	Pearson Correlation	.۹۳۳**	۱	.۷۴۹**	.۹۳۳**	.۷۶۵**	.۷۶۵**
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰		.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰
	N	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
marakezmozashi	Pearson Correlation	.۸۰۲**	.۷۴۹**	۱	.۸۰۲**	.۵۷۲**	.۵۷۲**
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰		.۰۰۰	.۰۰۱	.۰۰۱
	N	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
behdashtiavalie	Pearson Correlation	۱,۰۰۰**	.۹۳۳**	.۸۰۲**	۱	.۷۱۴**	.۷۱۴**
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۰		.۰۰۰	.۰۰۰
	N	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
adamrezayatashahrdari	Pearson Correlation	.۷۱۴**	.۷۶۵**	.۵۷۲**	.۷۱۴**	۱	.۵۹۳**
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۱	.۰۰۰		.۰۰۱
	N	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
tamayolsokonat	Pearson Correlation	.۷۱۴**	.۷۶۵**	.۵۷۲**	.۷۱۴**	.۵۹۳**	۱
	Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰	.۰۰۱	.۰۰۰	.۰۰۱	
	N	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰

** . Correlation is significant at the .۰۰۱ level (۲-tailed).

Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	.۷۶۵ ^a	.۵۸۵	.۵۱۹	.۳۴۹۷۳

a. Predictors: (Constant), tamayolsokonat, marakezmozashi, faragatmahalatdigar, behdashtiavalie

جدول شماره ۴: همبستگی شاخص‌های مورد توجه در پرسشنامه

شرح	تمایل به تغییر محله به دلیل کمبود امکانات	گذران اوقات فراغت در محله‌های دیگر	کمبود مراکز آموزشی	کمبود مراکز بهداشتی	عدم رضایت از شهرداری	تمایل به سکونت در صورت ارائه خدمات
تمایل به تغییر محله به دلیل کمبود امکانات		عالی	عالی	عالی	بسیار خوب	بسیار خوب
گذران اوقات فراغت در محله‌های دیگر	عالی		بسیار خوب	عالی	بسیار خوب	بسیار خوب
کمبود مراکز آموزشی	عالی	بسیار خوب		عالی	خوب تا بسیار خوب	خوب تا بسیار خوب
کمبود مراکز بهداشتی	عالی	عالی	عالی		بسیار خوب	خوب تا بسیار خوب
عدم رضایت از شهرداری	بسیار خوب	بسیار خوب	خوب تا بسیار خوب	بسیار خوب		خوب تا بسیار خوب
تمایل به سکونت در صورت ارائه خدمات	بسیار خوب	بسیار خوب	خوب تا بسیار خوب	خوب تا بسیار خوب	خوب تا بسیار خوب	

نتایج حاصل از نظرسنجی بعمل آمده نشان می‌دهد در صورت ارتقاء سطح امکانات و خدمات در سطح محله میزان رضایت شهروندان از محله بیشتر خواهد شد و در نتیجه احتمال تغییر محل زندگی و مهاجرت به مناطق دیگر شهرداری در بین آن‌ها کمتر خواهد شد. (شایان ذکر است که منطقه ۱۷ دومین منطقه شهرداری در سطح تهران بعد از منطقه ۲۱ است که با نرخ رشد منفی جمعیت یعنی ۱/۱۵- درصد روبه‌روست).

همچنین با افزایش امکانات و احداث مراکز فرهنگی و آموزشی مختلف که منجر به ارتقاء سطح فرهنگ عمومی مردم خواهد شد، از میزان بزه‌های اجتماعی به میزان زیادی کاسته خواهد شد.

بنابراین چنانکه در قسمت قبلی مقاله حاضر به آن دست یافتیم منطقه ۱۷ شهرداری تهران علاوه از اینکه از نظر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و کالبدی در پایین‌ترین سطح نسبت به سایر مناطق تهران است از نظر دارا بودن امکانات و خدمات ارائه شده از طرف شهرداری نیز در سطح بسیار پایینی قرار دارد.

بر این اساس می توان نتیجه گرفت که فرضیه مورد نظر این پژوهش ، مبنی بر اینکه بین مدیریت شهری در ارائه خدمات و امکانات با وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان محدوده مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود دارد ، تأیید می گردد.

۳- نتیجه گیری

تحلیل وضعیت اجتماعی - اقتصادی ساکنین مناطق مختلف شهر تهران نشان داد تفاوت نسبتاً زیادی بین سطح زندگی شهروندان در مناطق مختلف شهر وجود دارد و نوعی جدایی گزینی فضایی بر مبنای وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنین در شهر تهران بوجود آمده است. در مجموع مناطق برخوردار، عموماً توسط اقشار مرفه تر اقتصادی اشغال شده که بر اساس شاخص های اجتماعی نیز وضعیت مناسب تری دارند. الگوی توزیع کاربری ها و سرانه هر کدام در سطح مناطق شهر نیز بیانگر وجود نوعی ناهمگونی و عدم برنامه ریزی صحیح در این زمینه است. عدم برنامه ریزی مناسب در این زمینه سبب جذب اقشار مرفه تر به مناطق دارای کاربری های مطلوب تر با سرانه های بالاتر گردیده است. بطوری که به موازات افزایش شاخص نهایی وضعیت اقتصادی - اجتماعی مناطق، شاخص نهایی توسعه مناطق بر مبنای سرانه کاربری ها نیز افزایش یافته است.

تحلیل وضعیت هزینه های تخصیص یافته توسط شهرداری نشان دهنده آن است که مدیریت شهری در نابرابری ها با عدم ارائه خدمات بهینه سهم بسزایی دارد و سیاست گذاری ملی بر تمام شهر حاکم است و عدم برنامه ریزی صحیح در این زمینه و تداوم شرایط موجود باعث عمیق تر شدن شکاف موجود و در نتیجه افزایش بی عدالتی های آتی خواهد گردید. زیرا مشکلات حادی که در شهرهای بزرگ امروزی بوجود آمده است ریشه در تصمیمات ریز و درشت متولیان شهری در گذشته دارد.

منابع و مأخذ:

- افروغ، عماد؛ ۱۳۷۷، فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- رضویان، محمدتقی؛ ۱۳۸۱، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات منشی، تهران.
- شکویی، حسین؛ ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- عبدی دانشپور، زهره؛ پاییز و زمستان ۱۳۷۸، تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مورد تهران، نشریه صَفَه، سال نهم، شماره ۲۹، صص ۵۷-۳۴.
- لیپست، سیمور مارتین و همکاران؛ ۱۳۸۱، جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، ترجمه جواد افشار کهن، نشر نیکا.

-Hall, T(۲۰۰۶) Urban Geography (۳rd. ed); London, Routledge

-Harvey,D(۱۹۷۵) Class Structure in a Capitalist Society and the Theory of Residential Differentiation, in R. Peel, M. Chisholm and P. Haggett (eds), Processes in Physical and Human Geography, Heinemann,London

-Johnston,R.J(۱۹۷۳) Social Area Change in Melbourne, Australian Geographical Studies,۱۱, ۷۹-۹۸

-Kaplan, D., Wheeler, J., and Holloway, S(۲۰۰۹) Urban Geography; Wiley, USA .۱

-Keil,R(۲۰۰۴) Global Sprawl: Urban Form After Fordism?, Environment and Planning : .۲
Society and Space ۱۲(۲): ۱۳۱-۶۶

- Knox,P and Pinch,S(۲۰۰۰) Urban Social Geography ; London,Prentice Hall

-Lefebvre(۱۹۹۱) The production of Space, Blackwell, Oxford

-Ley,D(۱۹۸۳) A Social Geography of the City, Harper and Row, New York